

”رفراندم“ از مردم بحرین سوال شد که می‌خواهند مستقل باشند یا تحت تسلط حکومت ایران باقی بمانند. در این همه پرسسی طبق گزارش نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد، اکثریت قاطع مردم بحرین در خواست شناخت هویت آنان به عنوان یک دولت حاکم شدند که برای سرنوشت کشور خود آذانه و فارغ از اراده هر کشور دیگری، تصمیم گیری کنند. بنابراین، شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۲۷۸ در ۱۱ مه ۱۹۷۰، برابر با ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۹، رسماً استقلال بحرین را اعلام کرد و ایران نیز از حق حاکمیت خود بر آن جزیره چشم پوشی کرد. این واقعه از رویدادهای شوم تاریخ ایران در دوره پهلوی دوم و خیانت آشکار به ملت ایران است.

از آن تاریخ تا کنون هیچ رویداد دردناکی از این دست برای سرزمین ایران اتفاق نیافتاده است. اما اکنون نغمه‌های شومی از داخل و خارج از کشور به گوش می‌رسد.

گر و ههای پان ترکیست پیش از انقلاب اسلامی و هر از گاه در زمان کنونی سخن از استقلال آذربایجان می‌گویند در حالیکه آذربایجان چه شرقی، چه غربی به منزله سر ایران به شمار می‌آیند، و ایرانیان آذری از وطن پرست‌ترین مردم ایران به شمار می‌آیند. ایرانیان وطن پرست، جدایی یک وجب از خاک ایران را بر نمی‌تابند، و با تمام قوا باید در برابر این حرکات خصمانه ایستاد. کردان ایران نیز ایرانی اصیل و از وطن پرست‌ترین اقوام ایرانی بوده و هستند.

فرااموش نمی‌شود که چندسال پیش نقشه‌ای در ایران انتشار یافته بود که وطن ما را به پنج جمهوری مستقل تقسیم و تجزیه کرده بود. جمهوری‌های آذربایجان، خوزستان، کردستان، بلوچستان و ترکمنستان. بقیه هم تحت عنوان ایرانستان باقی می‌مانند. این هولناک‌ترین خوابی است که قدرتهای استعماری نوین، و سرمایه داری و جنگ طلب برای کشور ما دیده‌اند.

طبق آنچه در رسانه‌ها منتشر شده، طراح این طرح شخصی است به نام ”برنارد لوئیس“. او نویسنده و مورخ آمریکایی- انگلیسی، و استاد ممتاز دانشگاه پرینستون آمریکاست و نویسنده کتابهای اسلام و غرب، اعراب در تاریخ، بحران اسلام و کتابهای دیگر است.

برنارد لوئیس نظریه پرداز ”برخورد تمدنهاست“ و بر این باور است که اسلام و غرب باهم برخورد خواهند کرد. به عقیده او مسیحیت و اسلام تنها ادیانی هستند که مدعی درک حقیقت جهانی هستند. و همین ادعا موجب برخورد آنها خواهد شد. مسیحیان و مسلمانان تنها مردمی هستند که ادعا می‌کنند که در یافت کننده سعادت‌مند آخرین پیام خداوند، به انسان هستند، و باید آترا به کل بشریت برسانند، و مانند یهودیان و هندوان و بوداییان نیستند که این پیام را فقط برای خود نگه دارند. بنابراین، دومذهب بزرگ مسیحیت و اسلام دارای یک بینش مشابه هستند با زمینه‌های اختلاف مبهم و غیر روشن که شانه به شانه هم می‌زیند. اینجاست که برخورد ایندو حتمی است.

این مورخ در مصاحبه‌ای می‌گوید:

”اسلام در چهارده قرن به زندگی میلیونها انسان فقر زده و تیره بخت، معنا و بزرگی بخشید. تمدن بزرگی برپا ساخت که به کشورهای متعددی رسوخ یافت. اکنون اما دچار بحران شده و راه دیگری می‌رود. اسلام می‌تواند به یک نظام استبدادی تبدیل شود که برای مسلمانان جهان فاجعه آفرین گردد، و یا می‌تواند در راه دموکراسی گام بردارد که اکنون علائمی از آن دیده می‌شود.

در هر صورت، جبهه ملی ایران، در این آشفته بازار سیاست و اقتصاد و قدرت، هر گونه اندیشه تجزیه طلبی را محکوم کرده و به ملت بزرگ ایران هشدار می‌دهد که سرمایه داری جدید و جنگ افروز جهانی هر روز برای کشورهای ثروتمند جهان خواب آشفته‌ای می‌بیند، تا به قول نیکسون در کتاب ”جنگ و صلح“ قدرتهای غربی بتوانند سطح زندگی اقتصادی، و برتری نظامی، و سیاسی خود را نسبت به سایر کشورها حفظ نمایند. مثله کردن ایران، شایسته ملتی نیست که با افتخار حدود سه هزار سال بر تارک فرهنگ بشریت درخشیده است. بدین اعتبار، این وظیفه فرد فرد ملت ایران و تابعان جامعه ایرانی است که از تمامیت ارضی ایران و یکپارچگی سیاسی و فرهنگی آن دفاع نموده و پاسدار این مرز و بوم کهن سال خود باشند. و این به عهده حاکمیت جمهوری اسلامی است که باید با رفع تبعیض‌ها و توجه به استان‌های محروم و ایجاد کار و بالا بردن سطح زندگی مردم ساکن در این استان‌ها، نغمه‌های شوم تجزیه طلبی را در کشور خاموش نماید.

فساد در قوه قضائیه

ایران در سال‌های اخیر کشوری شده است که از جهت رضایت مردم از قوه قضائیه به پایین‌ترین سطح تنزل کرده است. خیلی ساده، مردم به دادگستری هم بی‌اعتماد شده‌اند و این درد بزرگی است.

هر چه بگنند نمکش میزنند وای به روزی که بگنند نمک

انگلستان در جنگ جهانی دوم در زیر فشار حمله‌های آلمان هیتلری به مشکلات اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی و فساد اداری زیادی دچار شده بود. مردم و نمایندگان مجلس عوام به وینستون چرچیل نخست‌وزیر وقت حمله کردند که با مدیریت نادرست جامعه را رو به زوال میبرد و هیچ یک از نهادهای دولتی و بنگاه‌های عمومی مثل گذشته انجام وظیفه نمی‌کند. چرچیل در برابر این حملات به منتقدان خود گفت. ما در شرایط جنگ به سر می‌بریم و اشکالات زیادی داریم. اما من از شما می‌پرسم که آیا دادگاه‌های ما هم خلاف انصاف و عدالت کار می‌کنند؟ آیا قضاات ما هم فساد اخلاقی و مالی دارند؟ منتقدان صادقانه پاسخ دادند که قوه قضائیه همچنان مثل سابق بر اساس رویه قضایی قدیم رای می‌دهد و اخلاقی مرتکب نمی‌شود. چرچیل گفت من به شما اطمینان می‌دهم که وقتی دادگاه‌ها سالم باشند دیر یا زود جامعه اصلاح خواهد شد و متقلبان و خلافکاران گرفتار خواهند شد و در نهایت حق به حق دار خواهد رسید.

شوربختانه قوه قضائیه جمهوری اسلامی خودش از سلامت کافی برخوردار نیست تا بتوان برای اصلاح جامعه و احقاق حقوق شهروندان به آن امید بست. بسیاری از مردم عادی تجربیات شخصی تلخی از دادسراها و دادگاه‌ها دارند. اما پرونده‌های کلان رانت خواری و اختلاس یا زمین خواری و کوه خواری یا تخریب محیط زیست که اکثریت متخلفان آن‌ها وابسته به حاکمیت اند اصلاً هیچ پایندی به قانون و هیچ ترسی از دادگاه ندارند چون میدانند که به اصطلاح ژوری از خودشان است. آری عدم اعتماد مردم حتی به قضاات دادگستری در جمهوری اسلامی یک فاجعه است. وای به روزی که بگنند نمک.